«فصل امتداد در تعاریف کهنه صفدر، مدل چینی در شق انداختن هنر؛ نمونه‌های برگزیده»

نوشتن، مانند هر کار دیگری، نیازمند تمرین و ممارست است. اما چه چیز باعث می‌شود برخی از ما بتوانیم در این زمینه پیشرفت کنیم و برخی دیگر نه؟ چگونه می‌توان نوشتن را آموخت و آموزاند؟ این پرسش‌ها و پرسش‌های دیگری از این دست، دغدغه‌ی ما در این صفحه بوده است. در این شماره، نوشته‌های برگزیده‌ی خوانندگان را از نظر گذرانده‌ایم و از میان آن‌ها، سه نمونه را برای چاپ انتخاب کرده‌ایم. امیدواریم این نوشته‌ها برای شما هم مفید باشند.

نوشته‌ی: صفدر امتداد

صفدر امتداد، نویسنده‌ی جوان، در خانواده‌ای فقیر در روستای دشت‌آبدان به دنیا آمد. پدرش کارگر ساختمان بود و مادرش در خانه به کار قالی‌بافی مشغول بود. صفدر تا ۱۵ سالگی در روستا زندگی کرد و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به شهر نزدیک، یعنی شهر سرخه‌دشت، رفت. او در دوران کودکی و نوجوانی، با وجود فقر و مشکلات فراوان، علاقه‌ی زیادی به کتاب و داستان داشت و بسیاری از شب‌های زمستان را با نور چراغ نفتی مشغول خواندن می‌گذراند.

صفدر امتداد در سال ۱۳۴۲ وارد دانشسرای مقدماتی پسرانه‌ی سرخه‌دشت شد و دو سال بعد، در ۱۳۴۴، به استخدام آموزش‌وپرورش درآمد. نخستین محل خدمت او روستای کوهک‌بالا بود، جایی که تنها یک اتاق گلی برای مدرسه وجود داشت و او ناچار بود همه‌ی کلاس‌ها را در همان اتاق اداره کند. او در این دوران با مشکلات زیادی روبه‌رو شد، از جمله کمبود کتاب و وسایل آموزشی، اما همین شرایط سخت باعث شد تا او بیشتر به نوشتن روی بیاورد. او در این سال‌ها داستان‌های کوتاهی درباره‌ی زندگی روستاییان نوشت که بعدها بخشی از مجموعه‌ی «نان سنگ و آب چشمه» را تشکیل دادند.

در سال ۱۳۴۸ صفدر امتداد به شهر سرخه‌دشت بازگشت و در دبیرستان پسرانه‌ی فرهنگ مشغول تدریس ادبیات شد. در همین دوران با گروهی از معلمان جوان و دانشجویان دانشگاه سرخه‌دشت آشنا شد که بعدها به چهره‌های شناخته‌شده‌ی ادبیات منطقه تبدیل شدند. او در این سال‌ها به شدت تحت تأثیر نویسندگانی مانند صمد بهرنگی و جلال آل‌احمد قرار داشت و سبک نوشتار ساده و بی‌پیرایه‌ی او تا حد زیادی از همین دوره شکل گرفت.

نخستین مجموعه‌ی داستان صفدر امتداد با نام «کلاغ‌های سرد» در سال ۱۳۵۱ منتشر شد و با استقبال خوبی از سوی منتقدان روبه‌رو شد. این کتاب شامل ۱۲ داستان کوتاه درباره‌ی زندگی روستاییان، مهاجرت، بیکاری و تغییرات اجتماعی بود. منتقدان نوشتند که او توانسته است بدون شعارزدگی، تصویری صادقانه از مشکلات مردم ارائه دهد. پس از انتشار این کتاب، نام صفدر امتداد به‌عنوان یکی از نویسندگان تازه‌نفس اما جدی مطرح شد.

در سال ۱۳۵۴ او به تهران رفت و به عضویت کانون نویسندگان ایران درآمد. در این دوران با نویسندگانی چون ... و ... آشنا شد و فعالیت‌های ادبی خود را گسترده‌تر کرد. با این حال، او همچنان ارتباط خود با سرخه‌دشت و روستاهای اطراف را حفظ کرد و بسیاری از داستان‌های بعدی او در همین فضا شکل گرفتند.

پس از انقلاب، صفدر امتداد مدتی در وزارت آموزش‌وپرورش مشغول به کار بود و سپس به دلیل اختلاف‌نظر با برخی از سیاست‌های فرهنگی، از کار اداری کناره گرفت و تمام وقت خود را به نویسندگی اختصاص داد. در دهه‌ی ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ آثار او با استقبال گسترده‌ای روبه‌رو شد و چاپ‌های متعددی از کتاب‌هایش منتشر شد. او همچنین در جشنواره‌های ادبی متعددی به عنوان داور حضور یافت و سال‌ها در هیئت‌مدیره‌ی کانون نویسندگان سرخه‌دشت فعالیت کرد.

صفدر امتداد در ۱۲ آبان ۱۴۰۱ در سن ۷۹ سالگی در شهر سرخه‌دشت درگذشت. مراسم تشییع جنازه‌ی او با حضور جمعی از نویسندگان، معلمان و دانش‌آموزان سابق او برگزار شد. از او ۱۴ مجموعه داستان، ۲ رمان و چند کتاب خاطرات به‌جا مانده است. بسیاری از منتقدان او را یکی از صداهای اصیل داستان‌نویسی روستایی در دهه‌های میانی قرن معاصر می‌دانند.

سبک نوشتن: چگونه داستان‌هایی بنویسیم که خواننده تا آخر رهایشان نکند

نوشته‌ی: مهدی رضایی ـ داستان‌نویس و عضو هیئت‌مدیره‌ی کانون نویسندگان

بسیاری از نویسندگان تازه‌کار تصور می‌کنند برای داستان خوب، حتماً باید حادثه‌ی بزرگ، قهرمان خارق‌العاده و پایان غافلگیرکننده داشته باشند. اما تجربه‌ی سال‌های تدریس داستان‌نویسی نشان داده است که بسیاری از داستان‌های ماندگار، درست برعکس این تصور ساخته شده‌اند. آن‌ها از زندگی روزمره، از آدم‌هایی معمولی و از لحظه‌هایی کوچک شروع می‌کنند، اما با دقت و ظرافت، همین لحظه‌ها را به تجربه‌ای تبدیل می‌کنند که خواننده مدت‌ها با آن همراه می‌ماند.

یکی از مهم‌ترین اشتباهاتی که در کارگاه‌های داستان‌نویسی دیده‌ایم، عجله‌ی نویسنده برای رسیدن به نقطه‌ی اوج است. نویسنده‌ای که در ۳ صفحه‌ی اول همه‌ی شخصیت‌ها را معرفی کرده، در ۵ صفحه‌ی بعد گره‌ی اصلی را باز کرده و در صفحه‌ی ۷ به پایان رسیده است، معمولاً داستانی می‌نویسد که خواننده هیچ همراهی با آن احساس نمی‌کند. شخصیت‌ها مثل مقوا تا می‌شوند و رویدادها بدون وزن و اثر پشت سر هم می‌افتند. داستان خوب، مثل زندگی واقعی، به زمان نیاز دارد تا رشد کند.

یکی از تمرین‌های ساده اما بسیار مؤثر این است که نویسنده برای یک شخصیت فقط یک صفت انتخاب کند و تمام جمله‌ها و رفتارهای او را حول همان صفت بسازد. مثلاً اگر شخصیت «ترسو» است، ترس او فقط در یک صحنه‌ی بزرگ ظاهر نمی‌شود؛ در طرز نگاه کردن، در انتخاب کلمه‌ها، در نحوه‌ی حرف زدن با رئیس و حتی در نوع دروغ‌هایی که برای خودش می‌بافد هم دیده می‌شود. وقتی شخصیت‌ها این‌قدر واقعی شدند، خواننده دیگر نگران پایان داستان نیست؛ او می‌خواهد ببیند این آدم‌ها چه تصمیمی می‌گیرند.

دیالوگ‌نویسی هم یکی از مهارت‌هایی است که با تمرین زیاد به‌دست می‌آید. در زندگی واقعی، کمتر کسی جمله‌های کامل و کتابی می‌گوید. ما با نیمه‌جمله‌ها، تکرارها، سکوت‌ها و حتی با عوض کردن موضوع حرف می‌زنیم. اگر همه‌ی شخصیت‌های داستان شما مثل مقاله‌نویس‌ها حرف بزنند، خواننده زود خسته می‌شود. گوش دادن به مکالمه‌های روزمره، در اتوبوس، در صف نانوایی یا در کافه، بهترین تمرین برای شنیدن ریتم طبیعی گفت‌وگوهاست.

توصیف هم باید در خدمت حس و حرکت داستان باشد، نه فقط برای پر کردن صفحه. نویسنده‌ای که ۹ پاراگراف درباره‌ی رنگ دیوار یک اتاق می‌نویسد، اما در پاراگراف بعدی فراموش می‌کند شخصیت اصلی عصبانی است یا غمگین، عملاً خواننده را از داستان بیرون انداخته است. توصیف خوب، توصیفی است که یا شخصیت را لو بدهد، یا فضا را برای اتفاق بعدی آماده کند. هر جمله‌ای که این دو کار را نکند، احتمالاً زائد است.

در نهایت، بازنویسی مهم‌ترین مرحله‌ی نوشتن است. بسیاری از نویسندگان تازه‌کار فکر می‌کنند اولین پیش‌نویس باید بی‌نقص باشد و هر تغییر بعدی نشانه‌ی ضعف است. در حالی که حرفه‌ای‌ها می‌دانند که اولین نسخه فقط خاک اولیه‌ی کار است. گاهی یک داستان ۱۰ بار بازنویسی می‌شود تا به شکل نهایی خود برسد. حذف کردن سخت‌ترین بخش کار است، چون گاهی جمله‌ای را دوست داریم فقط به این دلیل که خودمان آن را نوشته‌ایم، حتی اگر هیچ کمکی به داستان نکند.

در پایان، مهم‌ترین توصیه‌ای که می‌توان به نویسندگان جوان داد این است: کمتر قضاوت کنید و بیشتر مشاهده. آدم‌ها را همان‌طور که هستند بنویسید، نه آن‌طور که فکر می‌کنید باید باشند. داستان خوب از دل همین تناقض‌ها و ضعف‌های انسانی بیرون می‌آید. اگر نویسنده‌ای بتواند شخصیتی بسازد که خواننده با وجود همه‌ی اشتباهاتش هنوز برایش مهم باشد، آن‌وقت است که می‌تواند ادعا کند داستان خوبی نوشته است.

کلاس‌های شبانه‌ی داستان‌نویسی در کانون نویسندگان شهرک‌آبگینه ثبت‌نام کرد

کانون نویسندگان شهرک‌آبگینه اعلام کرد که کلاس‌های شبانه‌ی داستان‌نویسی ویژه‌ی علاقه‌مندان تازه‌کار از هفته‌ی آینده آغاز می‌شود. این کلاس‌ها هر هفته سه جلسه برگزار می‌شوند و مدرس آن‌ها مهرداد کیوان‌فر، نویسنده‌ی صاحب‌نام منطقه، است. ثبت‌نام حضوری در ساختمان کانون، خیابان شهید رستگاری، پلاک ۱۴، انجام می‌شود.

به گفته‌ی مسئولان کانون، هدف این دوره‌ها آشنا کردن هنرجویان با اصول اولیه‌ی روایت، شخصیت‌پردازی و ساختار داستان است. مهرداد کیوان‌فر در این زمینه گفت: «بسیاری از کسانی که می‌خواهند داستان بنویسند، فقط با چند ایده‌ی خوب شروع می‌کنند، اما نمی‌دانند چطور آن ایده را به یک متن کامل تبدیل کنند. در این کلاس‌ها سعی می‌کنیم این مسیر را گام‌به‌گام یاد بدهیم.» او افزود که تمرین‌های عملی، نوشتن روزانه و نقد گروهی بخش اصلی برنامه‌ی آموزشی را تشکیل می‌دهند.

مدت دوره‌ها ۱۲ هفته تعیین شده و شهریه‌ی ثبت‌نام ۹۵۰ هزار تومان است. کانون اعلام کرده است که برای ۱۰ نفر اول، ۵۰ درصد تخفیف در نظر گرفته شده است. همچنین دانش‌آموزان و دانشجویان می‌توانند با ارائه‌ی کارت شناسایی معتبر از تخفیف ۳۰ درصدی استفاده کنند. ظرفیت هر کلاس ۲۵ نفر اعلام شده و ثبت‌نام‌ها به ترتیب نوبت انجام می‌شود.

مهرداد کیوان‌فر، که خود ۱۷ سال سابقه‌ی تدریس در کارگاه‌های داستان‌نویسی دارد، گفت که در این کلاس‌ها تنها به نظریه بسنده نمی‌شود. او توضیح داد: «هر جلسه یک تمرین کوتاه داده می‌شود و در جلسه‌ی بعد همان متن‌ها را با هم می‌خوانیم و درباره‌ی آن‌ها حرف می‌زنیم. هدف این است که هنرجو یاد بگیرد نقد را بشنود و از آن نترسد.» به گفته‌ی او، بسیاری از نویسندگان حرفه‌ای امروز سال‌ها پیش از همین کلاس‌های ساده شروع کرده‌اند.

کانون نویسندگان شهرک‌آبگینه در اطلاعیه‌ی خود اعلام کرده است که ظرفیت دوره‌ها محدود است و ثبت‌نام‌ها به ترتیب نوبت انجام می‌شود. برای اطلاعات بیشتر می‌توان با شماره‌ی ۳۲۵۶۰۱۴۸ تماس گرفت یا در ساعت‌های اداری به دفتر کانون مراجعه کرد. مسئولان کانون امیدوارند این دوره‌ها بتواند نسل تازه‌ای از نویسندگان منطقه را به جامعه‌ی ادبی معرفی کند.

جشنواره‌ی داستان‌های کوتاه شهری برگزار می‌شود

دبیرخانه‌ی جشنواره در کانون فرهنگی شهید رستگار مستقر است

نوشته‌ی: مهدی رضایی

کانون فرهنگی شهید رستگار از برگزاری نخستین جشنواره‌ی داستان‌های کوتاه شهری خبر داد. این جشنواره با موضوع زندگی در شهرهای بزرگ و کوچک برگزار می‌شود و داستان‌های رسیده تا پایان آذرماه پذیرفته می‌شوند. دبیرخانه‌ی جشنواره در ساختمان کانون، واقع در خیابان شهید رستگار، پلاک ۱۴، مستقر است.

به گفته‌ی برگزارکنندگان، هدف از برگزاری این جشنواره ایجاد فرصتی برای نویسندگان جوان و کمتر شناخته‌شده است تا بتوانند آثار خود را بدون واسطه به دبیرخانه ارسال کنند. داستان‌ها باید حداقل ۴ و حداکثر ۱۲ صفحه‌ی تایپ‌شده باشند و هر نویسنده می‌تواند تنها یک اثر ارسال کند. داستان‌های رسیده پس از حذف مشخصات نویسنده، توسط هیئت داوری بررسی می‌شوند.

هیئت داوری این جشنواره از سه نفر تشکیل شده است. رئیس هیئت داوری، مهرداد کیوان‌فر، نویسنده‌ی صاحب‌نام منطقه، است. دو عضو دیگر هیئت داوری نیز از میان اعضای کانون انتخاب شده‌اند. برگزاری جشنواره با همکاری انجمن داستان‌نویسان شهرک‌آبگینه انجام می‌شود و برخی از اعضای این انجمن در بخش‌های مختلف برنامه همکاری خواهند داشت.

جوایز جشنواره شامل سه رتبه‌ی برتر است. نفر اول ۱۲۰ میلیون تومان، نفر دوم ۷۰ میلیون تومان و نفر سوم ۴۰ میلیون تومان جایزه دریافت می‌کند. همچنین ۱۰ داستان دیگر به‌عنوان آثار شایسته‌ی تقدیر معرفی می‌شوند. مراسم اختتامیه‌ی جشنواره و اعلام نتایج نهایی ۱۵ دی‌ماه در سالن اجتماعات کانون برگزار می‌شود.

مهرداد کیوان‌فر در توضیح هدف برگزاری جشنواره گفت: «بسیاری از نویسندگان خوب ما هیچ‌وقت کتاب چاپ نمی‌کنند، چون هیچ‌کس به آن‌ها فرصت نمی‌دهد. ما می‌خواهیم این فرصت را فراهم کنیم.» او افزود که داستان‌های برگزیده احتمالاً در یک مجموعه‌ی مشترک منتشر خواهند شد.

دبیر جشنواره همچنین از برگزاری سلسله نشست‌های آموزشی در ماه‌های آبان و آذر خبر داد. در این نشست‌ها، نویسندگان حرفه‌ای درباره‌ی شخصیت‌پردازی، ساختار داستان و نحوه‌ی ارسال اثر به جشنواره صحبت خواهند کرد. ثبت‌نام این نشست‌ها رایگان است و علاقه‌مندان می‌توانند با شماره‌ی ۳۲۵۶۰۱۴۸ تماس بگیرند.

هیئت رأی ۵ رأی به ۴ رأی به ممنوعیت ۲ داستان‌نویسی

نوشته‌ی: فرهاد کیوان ـ خبرنگار فرهنگی

هیئت رأی انجمن داستان‌نویسان شهرک‌آبگینه روز سه‌شنبه با اکثریت آرا تصمیم گرفت که دو داستان‌نویس عضو انجمن را به دلیل انتشار آثاری که به تشخیص هیئت رأی «توهین آشکار به ارزش‌های مشترک جامعه» است، از عضویت در انجمن محروم کند. این تصمیم با رأی ۵ به ۴ گرفته شد و یک رأی ممتنع هم ثبت شد. این نخستین بار در ۱۲ سال گذشته است که انجمن چنین حکمی صادر می‌کند.

هیئت رأی انجمن داستان‌نویسان شهرک‌آبگینه روز سه‌شنبه با اکثریت آرا تصمیم گرفت که دو داستان‌نویس عضو انجمن را به دلیل انتشار آثاری که به تشخیص هیئت رأی «توهین آشکار به ارزش‌های مشترک جامعه» است، از عضویت در انجمن محروم کند. این نخستین بار در ۱۲ سال گذشته است که انجمن چنین حکمی صادر می‌کند.

(ادامه‌ی گزارش در صفحه‌ی ۶)

مقدمه‌ای بر داستان‌نویسی برای نوجوانان

نوشته‌ی: مهدی رضایی

داستان‌نویسی برای نوجوانان یکی از دشوارترین و درعین‌حال ارزشمندترین شاخه‌های ادبیات است. نویسنده در این حوزه نه‌تنها باید با زبان، ساختار و شخصیت‌پردازی سروکار داشته باشد، بلکه ناچار است مخاطب خود را نیز بشناسد؛ مخاطبی که در حال عبور از کودکی به بزرگسالی است و هنوز بسیاری از پرسش‌های بنیادین زندگی را با هیجان و بی‌پروایی تجربه می‌کند. به همین دلیل، داستان نوجوان نباید ساده‌انگارانه یا پر از پند و اندرز باشد، اما در عین حال نمی‌تواند از مسئولیت اخلاقی و فکری خود شانه خالی کند.

یکی از ویژگی‌های مهم داستان نوجوان، شخصیت‌پردازی است. شخصیت‌ها باید دارای تناقض‌های انسانی باشند، تصمیم‌هایی بگیرند که همیشه درست نیست و از نتایج آن‌ها درس بیاموزند. نوجوان خواننده به قهرمانی نیاز دارد که از او فاصله‌ی زیادی نداشته باشد؛ قهرمانی که گاهی ترس، تردید و شکست را تجربه می‌کند و همین ضعف‌ها او را باورپذیر می‌سازد. شخصیت‌های بیش‌ازحد کامل یا آرمانی معمولاً از همان ابتدا مخاطب را از دست می‌دهند.

زبان داستان نوجوان نیز باید با دقت انتخاب شود. نه ساده‌انگارانه است و نه پیچیده و دشوار. جمله‌ها باید روان، ریتم‌دار و متناسب با حال‌وهوای داستان باشند. استفاده‌ی بیش‌ازحد از توصیف‌های طولانی یا واژه‌های ادبی کم‌کاربرد می‌تواند ارتباط خواننده با متن را قطع کند. در مقابل، زبان بیش‌ازحد محاوره‌ای هم ممکن است اثر را سطحی جلوه دهد. تعادل میان این دو یکی از مهم‌ترین مهارت‌های نویسنده در این حوزه است.

درون‌مایه‌ها در داستان نوجوان اغلب حول محور هویت، دوستی، عشق، خانواده، تنهایی و مسئولیت شکل می‌گیرند. اما نویسنده نباید از ترس سانسور یا قضاوت بزرگسالان از طرح موضوعات حساس پرهیز کند. نوجوان امروز با اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و حجم زیادی از اطلاعات بزرگ شده است و بسیاری از مسائل را پیش‌تر از آنچه بزرگسالان فکر می‌کنند تجربه کرده یا درباره‌ی آن‌ها شنیده است. نادیده گرفتن این واقعیت‌ها فقط باعث دور شدن مخاطب می‌شود.

ساختار داستان نیز نقش مهمی در حفظ ریتم و تعلیق دارد. فصل‌های کوتاه، پایان‌های باز و گره‌های روایی که به‌تدریج باز می‌شوند، برای این گروه سنی بسیار مؤثرند. با این حال، پایان‌ها نباید همیشه تلخ یا بدبینانه باشند. نوجوان هنوز به امید نیاز دارد و داستانی که هیچ افق روشنی ارائه نکند، به‌سختی می‌تواند در ذهن خواننده باقی بماند.

در نهایت، نویسنده‌ی داستان نوجوان باید به این باور برسد که مخاطبش ساده‌لوح نیست. او می‌تواند با ظرافت، صبر و صداقت با خواننده سخن بگوید، به شرط آنکه خود نیز از تکرار کلیشه‌ها و ترس از قضاوت دست بردارد. داستان خوب، در هر سنی، همان است که انسان را بیشتر با خودش روبه‌رو کند.